



وحيانی بودن واژگان قرآن و نظم آنها

مریم هرمزی شیخ طبقی

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

واحد علوم و تحقیقات

چکیده

ساختار کنونی قرآن که از آغاز در میان مسلمانان متداول بود. بدین صورت است که از ۱۱۴ سوره تشکیل یافته و از بزرگترین سوره شروع و به طور تقریبی هر چه به انتهای قرآن پیش می‌رویم از حجم آیات کاسته شده و سوره‌ها کوچکتر می‌گردند و به سوره ناس ختم می‌شود.

آنچه در این مقاله دنبال می‌کنیم بررسی ساختار قرآن کریم از جهت وحيانی بودن واژگان آن و نظم آنها، توقیفی و توقیعی بودن چینش آیات و سور و نیز قالب مصحفی آن است، که نظریه‌های مختلف در این موارد بررسی و بیان شده است. در ابتدا به بررسی وحيانی بودن واژگان قرآن و نظم آنها و سپس به بررسی وحيانی بودن ترتیب آیات و سور پرداخته شده و نظریه‌های مختلفی بیان شده از جمله: الف) نظریه توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها. ب) نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها. ج) نظریه وحيانی بودن ترتیب برخی سوره‌ها.

در پایان به بررسی مصحف وار بودن قرآن و ذکر دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان صحابه، و دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) پرداخته شده است. کلید واژه‌ها: قرآن، وحی، واژگان قرآن، توقیفی یا توقیعی بودن ترتیب سوره‌ها، جمع قرآن و مصحف وار بودن آن.

مقدمه

وحيانی بودن ساختار قرآن از نظر واژگان، توقیفی بودن چینش آیات و سور قرآن و نیز قالب مصحف وار بودن آن، زیربنای بسیاری از بحث‌های قرآنی است و پرده برداری از معانی رازهای آن، می‌طلبد که بدانیم چه مقدار از این کتاب وحيانی از سوی خداوند است و چه مقدار مسلمانان صدر اسلام و مردمان پس از آنها در آن نقش داشته‌اند. پر واضح است که هرچه قلمرو وحيانی بودن ساختار قرآن گسترده‌تر باشد قلمرو نکته‌سنجی و تیزبینی در این کتاب آسمانی بازتر خواهد بود.

در مقاله‌ای که پیش رو دارید سعی شده است تا به یاری خداوند در حد امکان به بررسی این مسائل پرداخته شود. امید است که مورد توجه شما خواننده گرامی قرار گیرد.

وحيانی بودن واژگان قرآنی و نظم آنها

همان گونه که معانی قرآن از جانب خداوند متعال است، پوشاندن لباس لفظ به این معانی و مفاهیم و چگونگی ترکیب و تنظیم الفاظ آن نیز از آن خداوند متعال است، نه پیامبر(ص)، نه جبرئیل امین و نه کس دیگر. بنابراین، این احتمال بی اساس خواهد بود که معانی قرآن از آن خداوند است که با واسطه جبرئیل بر قلب پیامبرش نازل کرده و آن حضرت خود آن را در قالب الفاظ درآورده است و یا آن که بر جبرئیل معنی القا شده و او آنها را با تعبیرات عربی بیان کرده است.^۱

دلیل بر بطلان این نظریه خود قرآن کریم و روایات است:

۱. و قرآنا فرقناه لتقرأه على الناس على مكث و نزلناه تنزیلا (اسراء، ۱۷/۱۰۶)

روشن است که مراد از قرآن آن چیزی است که در دسترس ما و شامل لفظ و معنی است و خداوند تنزیل آن را مستند به خود می‌کند.

۲. کتابی که پیش رو دارید از جانب خداوند آمده است:

قد جاءكم من الله نور و کتاب مبين (مائده، ۵/۱۵)

۳. خداوند آن را کلام خود خوانده و به صراحت به خود نسبت می‌دهد:

و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله (توبه، ۹/۶)

۴. کار پیامبر قرائت و تلاوت قرآن بر مردم بوده است:

إقرأ باسم ربك (علق، ۱/۹۶)، و أتل ما أوحى إليك من كتاب ربك؛ (كهف، ۲۷/۱۸) و
واژه‌های قرائت و تلاوت بازگو نمودن سخن دیگران است.

امام باقر(ع) درباره قرآن می‌فرماید: لا خالق و لا مخلوق، لکنه کلام الخالق^۲
سخنان رسول اکرم(ص) نیز موجود است و اسلوب آن با اسلوب قرآن تفاوتی آشکار دارد.^۳
برای دریافت بهتر این مساله توجه به نکاتی که یاد می‌شود سودمند خواهد بود:
۱. استناد یک سخن به گوینده مانند شعر یا متن ادبی در صورتی است که وی به
کلمات آن سامان بخشیده باشد و سبک بیانی آن گفتار یا نوشتار از آن او باشد. بنابراین
سخنی که خداوند آن را کلام خود می‌نامد، باید در معنی، گزینش الفاظ و ترکیب آنها با
یکدیگر، از آن او باشد.

۲. سهم مهمی از اعجاز قرآن بسته به همین نظم شگرف و اسلوب بیانی و ساختار
آهنگین است که دیگران را یارای آوردن مانند آن نیست و اگر بنا باشد بشر در ایجاد چنین
متنی دخالت داشته باشد و بتواند در نظم آن دست برد، مبارزه جویی قرآن باطل گشته و
اعجاز آن از میان خواهد رفت.

۳. امت اسلامی در تمامی دورانها با همه فرقه‌ها و اختلاف‌هایی که داشته‌اند، در
این که ساختار حاکم بر جمله‌ها و ترکیب‌های قرآنی از آن خداوند متعال است، هیچ گونه
شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند و همگی بر آن اتفاق نظر دارند. از این رو دانشمندان
ادب عربی هرگاه قاعده‌ای را استنباط می‌کردند که با قرآن ناسازگاری داشت، در فهم
خویش تأمل می‌کردند و خطا را به خود راه می‌دادند نه به قرآن.^۴

البته در میان آثار به جا مانده از گذشتگان، به مواردی برمی‌خوریم که اشاره به جابجایی
و تقدیم و تأخیر در بخشی از کلمات قرآنی دارد، از جمله تفسیر علی بن ابراهیم قمی در
مقدمه‌ای که در اصناف آیات قرآن دارد، در بحث تقدیم و تأخیر، نمونه‌هایی از این دست
را گاه با اشاره به روایات مربوطه برمی‌شمرد.

برای آنکه خواننده گرامی به یقین برسد که این گونه اوهام هیچ پایه و اساسی ندارد و
شان ائمه طاهرین(ع) برتر از آن است که این سخنان از آنها صادر شده باشد، نمونه‌ای را
ارزیابی می‌کنیم:

در آیه: و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا (جاثیه، ۲۴/۴۵) گفته شده است که

دهریه اعتقادی به زنده شدن پس از مرگ نداشته اند تا بگویند می میریم و زنده می شویم؛ بنابراین، آیه این گونه بوده است: «نحیی و نموت» یعنی حیات می یابیم و می میریم. با دقت در این آیه کریمه روشن می شود که هیچ گونه تقدیم و تأخیری صورت نگرفته است و «نحیی» چه مقدم باشد چه موخر، به یک معنی خواهد بود. استمرار نسل انسانی تا به دنیا آمدن افراد جدید نه برانگیخته شدن پس از مرگ، افزودن بر آن که در صورت تأخیر «نحیی» چنانچه در مصحف کنونی است، معنی بهتر بوده و استمرار حیات بهتر ترسیم می شود و از نظر لفظی نیز کلام آهنگین و زیباتر می باشد.

آثار دیگری از این قبیل نیز هستند که یا قضاوت افراد بوده و منسوب به امام معصوم نیستند، یا اگر از امام نقل شده اند روایت هایی دست ساخته هستند و از امام صادر نشده اند و یا گاه مقصود امام تقدیم از نظر معنی بوده است. و در نهایت امر باید گفت روایاتی که درباره جابجایی و یا تغییر و تبدیل در کلمات و آیات قرآن رسیده اند، خبرهای واحدی هستند که قطع به صحت آنها نداریم، بنابراین در آنها توقف می کنیم و از ظاهر مصحف دست برنمی داریم.^۵

توقیفی و وحیانی بودن ترتیب آیات

توقیفی و وحیانی بودن تنظیم آیات در ضمن سوره ها، حساب شده و براساس حکمت بوده و با ارشاد و راهنمایی های پیامبر (ص) صورت گرفته و رای و سلیقه صحابه در به وجود آمدن ترتیب موجود دخالتی نداشته است.

نظارت پیامبر به سه روش

۱. سوره های بسیاری داریم که مجموعه آیات آن در یک نوبت فرود آمده است، از جمله این سوره ها که در روایات نیز یاد شده اند، سوره های فاتحه، انعام، صف، عادیات، ضحی، اخلاص، کافرون، کوثر، تبت، بینه، نصر، فلق و ناس هستند. نزول دفعی در بسیاری از سوره های کوچک قرآن امری طبیعی است. پرواضح است که ترتیب سوره هایی که به طور کامل نازل شده اند، بی هیچ دخل و تصرفی از سوی خداوند است.

۲. در سوره هایی که به طور تدریجی تکامل یافتند، عالم نخست و مهم در ترتیب

یافتن آیات آنها همان ترتیب نزول بوده است ، بدین معنی که پرونده سوره با (بسم الله الرحمن الرحيم) آغاز می گشت و آیاتی که در پی آن نازل می شدند در پس یکدیگر جای می گرفتند تا آن که بسم اللهی دیگر نازل گردد و ختم آن سوره و شروع سوره ای جدید را اعلام نماید . نزول تدریجی قرآن مسبوق به برنامه و جدولی حساب شده بوده است و در آیاتی که نازل می شد ، موقعیت مکانی و تناسب و هماهنگی با جایگاهی که خواهند داشت ، در نظر گرفته می شده است : کتاب أحکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (هود، ۱/۱۱) ، و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث (اسراء، ۱۶/۱۰۶)

مؤید این مطلب آن است که می بینیم این سوره ها از نظر ساختار با سوره هایی که یکبار نازل می شده اند ، تفاوتی ندارند و آیات آغاز و پایان آنها متناسب و هماهنگ با مضمون سوره است .

۳. در مواردی از ثبت آیات ، تصریح خاص پیامبر (ص) و تعیین آن حضرت سبب شده است تا آیه از ترتیب طبیعی نزول خود خارج شده و در جای دیگری قرار گیرد که ممکن است سوره ای باشد که در گذشته به اتمام رسیده است .

تاریخ ، موارد اندکی از این دست را حکایت کرده است از جمله از عثمان بن ابی العاص روایت شده که گفت :

در محضر رسول اکرم (ص) نشسته بودم . در این هنگام دیدم که حضرتش ناگاه به جایی خیره شد ، آن گاه چشمان خود را فروانداخت و فرمود : جبرئیل نزد من آمد و دستور داد تا آیه : **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ** (نحل، ۱۶/۹۰) را در سوره نحل میان آیه شهادت و آیه عهد قرار دهم .

باز در این باره روایت است که آخرین آیه نازل شده : **وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ** ، است که بنابر اشاره جبرئیل در سوره بقره آیه ۲۸۰ میان آیه ربا و دین جای گرفته است .^۶ اگر به عنوان نمونه در سوره ممتحنه نیک بنگریم در خواهیم یافت که ساختار سوره همانند دیگر سوره ها سنجیده و نظام مند است و تناسب آغاز و انجام و وحدت موضوعی بر آن حاکم است و اگر بخواهیم آن را بنابر ترتیب نزول مرتب سازیم ، از قالب سوره ای منسجم و خوش ترتیب خارج خواهد شد و ساختار آن شباهتی با ساختار دیگر سوره ها نخواهد داشت .

به هر حال توقیفی بودن ترتیب آیات، مساله ای است بیشتر قریب به اتفاق دانشمندان به آن معترف هستند و بسیاری ادعای اجماع کرده اند. دقت در نظم آیات هر سوره نیز این مساله را به خوبی تأیید می کند و آیاتی نیز که درک ارتباط ظاهری آنها با آیات پیشین دشوار است با اندیشه و تامل ارتباطشان روشن خواهد شد.^۷

البته برخی از دانشمندان شیعه مطابق بودن نظم کنونی آیات را با نظم موجود در زمان پیامبر، نسبت به تمامی آیات را نپذیرفته و اجتهاد صحابه را در آن بی دخالت ندانسته اند، از جمله آنان علامه طباطبایی است.^۸

البته ما با علامه در این جهت موافق نیستیم و در بحث از ترتیب سوره ها، درباره روایات جمع نقدهایی خواهیم آورد و نیز تائیداتی بر توقیفی بودن آیات خواهد آمد. همچنین نام هایی که برای گروه گروه این سوره ها در صدر اسلام دائر بوده مانند سور طوال و مئین و مثنائی و مفضلات در احادیثی که از زمان حیات پیغمبر (ص) حکایت می کند، بسیار به چشم می خورد.

توقیفی و وحیانی بودن و یا توقیفی و اجتهادی بودن ترتیب سوره ها

درباره گردآوری و تنظیم سوره ها که آیا توقیفی است و یا اشاره پیامبر صورت گرفته است و یا اجتهادی است و پس از رحلت آن حضرت، اختلاف نظر وجود دارد و درباره آن سه دیدگاه ارائه شده است:

الف) توقیفی و مستند به پیامبر است.

ب) اجتهادی و مستند به صحابه است.

ج) در بخشی وحیانی و در بخشی دیگر اجتهادی است.

در این بخش به بررسی آراء یاد شده و ادله آنها و سپس به داوری درباره آنها می پردازیم:

الف) توقیفی بودن ترتیب سوره ها

بسیاری بر این عقیده اند که ترتیب کنونی سوره های قرآن به ارشاد پیامبر (ص) می باشد و این ترتیب در زمان رسول اکرم (ص) وجود داشته است. از جمله این کسان، ابن انباری در کتاب «الرد علی من خالف مصحف عثمان»؛ کرمانی در «البرهان». از دیگر کسانی که قائل به توقیفی بودن ترتیب سور هستند، ابو جعفر نحاس، ابن حصار و ابن حجر می باشند.^۹

سید مرتضی اظهار می دارد که تمامی قرآن در زمان رسول اکرم (ص) آموزش داده می شد و حفظ می گردید... و گروهی از صحابه مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر آن دو، قرآن را در حضور پیامبر (ص) چندین بار ختم کردند و تمامی اینها با اندک تأملی دلالت بر این دارد که قرآن تدوین شده و مرتب بوده، نه پراکنده و از هم گسسته.^{۱۰}

به جز سید مرتضی، دانشمندان شیعی بسیاری، چه در گذشته و چه در حال، بر جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) تاکید کرده اند که از میان آنها اشخاص ذیل را می توان نام برد:

شیخ صدوق، امین الاسلام طبرسی، سید ابن طاووس، آیه الله خویی، محمد تقی شریعتی، علامه سید مرتضی عسکری، آیه الله حسن زاده آملی، از دانشمندان متاخر و معاصر اهل سنت نیز بسیاری بر این باورند که ترتیب سور توقیفی است که از جمله آنها صبحی صالحی است.

ب) نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره ها

گروهی از دانشمندان گذشته و حال، معتقدند که پیامبر (ص) در حالی وفات یافت که قرآن بر جریده های نخل، تخته سنگ ها، استخوان ها، تکه چرم ها و کاغذ و در سینه های مردم به صورت پراکنده بود، و گرچه آیات در ضمن سوره ها مرتب بودند و سوره ها نیز نام داشتند، اما قرآن صورت مصحف و کتاب مدون وجود نداشت و ترتیبی نظام دار میان سوره های آن نبود و این کار در دورانهای بعد انجام گرفت. البته بنابر نظر شیعه پیش از همه این اقدامات حضرت امیر (ع) قرآنی گردآورده بودند که مورد پذیرش حکومت واقع نشد. ابن فارس و علامه طباطبائی از قائلین به این نظریه هستند. استاد معرفت نیز در «التمهید فی علوم القرآن» از طرفداران سرسخت این دیدگاه است.^{۱۱}

بدرالدین زرکشی که خود توقیفی بودن ترتیب سوره ها را ترجیح می دهد، سعی بر آن دارد که این اختلاف را لفظی و هر دو گروه را هم عقیده بداند، به این بیان که کسانی که ترتیب سوره ها را به دست صحابه می دادند این مطلب را قبول دارند که صحابه به اسباب نزول و جایگاه کلمات قرآن آگاه بودند و رسول اکرم (ص) برای آنها به این ترتیب اشاره کرده اند. بنابراین جمع و ترتیب آنان مستند به پیامبر (ص) می شود و اگرچه خود پیامبر با دست خود سوره ها را در یک مصحف گرد نیاورد، اما چگونگی ترتیب سوره ها را برای مردم بیان کرده بود.^{۱۲}

ج) وحیانی بودن ترتیب برخی سوره‌ها

گروهی از دانشمندان، رأی میانه‌ای را در ترتیب سوره‌ها اتخاذ کرده و ترتیب آنها را در بخشی توقیفی و در بخشی اجتهادی می‌دانند. بیهقی ترتیب تمامی سوره‌ها را توقیفی می‌داند، مگر در دو سوره انفال و براءت، ابن عطیه نیز به این نظر گرایش دارد.

ابوجعفر زیبر نیز نظری مانند ابن عطیه دارد.^{۱۳}

جلال الدین سیوطی نیز از جمله کسانی است که رأی میانه را انتخاب کرده؛ وی می‌نویسد: کسی از من در این نظر پیشی نگرفته... نظری که من اختیار می‌کنم، همان نظری است که بیهقی گفته است. دکتر حجتی نیز می‌نویسد:

ترتیب سوره‌ها در قرآن موجود، کم و بیش، به همان ترتیبی است که در زمان پیغمبر^(ص) فراهم آمده است، زیرا بسیاری از مدارک شیعی و اهل سنت، وجود چنین ترتیبی را به طور نسبی به زمان پیغمبر^(ص) تأیید می‌کند. و در احادیث اشاراتی دیده می‌شود که رسول اکرم^(ص) به چنین ترتیبی در سطح بسیاری از سور قرآن اشاره فرموده، منتهی باید گفت که ترتیب همه سور مانند ترتیب آیات، توقیفی نبوده، بلکه در ترتیب بعضی از سور، احتمالاً رأی و نظر صحابه دخیل بوده است.^{۱۴}

دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان صحابه

۱. امکان تدوین سوره‌ها به شکل مصحف در دوران حیات رسول اکرم^(ص) وجود نداشته است، زیرا در عهد آن حضرت هنوز انتظار فرود آمدن قرآن وجود داشته است و تا وقتی که وحی منقطع نشده چگونه می‌توان سوره‌ها را به صورت مصحف گردآورد. بنابراین باید دوران رسالت سپری می‌شد و وحی کامل می‌گشت و آن گاه مرتب می‌شد.^{۱۵}

۲. مصاحف صحابه پیش از آنکه عثمان قرآن را گردآورد در ترتیب سوره‌ها با یکدیگر اختلاف داشتند. اگر این ترتیب توقیفی بود و از رسول خدا رسیده بود، آنان هرگز اختلاف نمی‌کردند؛ چنان که گفته اند مصحف علی بن ابی طالب^(ع) به ترتیب نزول بود، در اول آن سوره «اقرا»، بعد «مدثر»، سپس «مزل»، و پس از آن «تبت» و بعد از آن «تکویر» تا آخر سور مکی و مدنی؛ و همچنین در مصحف ابن مسعود، «بقره»، «نساء»، «آل عمران»... قرار گرفته بودند و نیز مصحف ابی بن کعب و سایر مصاحف در ترتیب سوره‌ها با همدیگر

یکسان نبودند. ۱۶

۳. یکی از دلیل های عمده این نظر، مجموعه روایات و آثاری است که درباره گردآوری و تنظیم مصحف وارد شده و از آنها اجتهادی بودن ترتیب مصحف قابل استنباط است. گروهی از این روایات که بیشتر در آثار اهل سنت و گاه در آثار شیعی آمده، روایات مربوط به جمع و تدوین قرآن در زمان خلفاست. از جمله ابن اشته نقل می کند:

عثمان فرمان داد که سوره های طوال را پی در پی قرار دهند، و سوره های انفال و توبه را جزء هفت سوره طولانی قرار داده و آنها را با «بسم الله الرحمن الرحيم» از یکدیگر جدا نکرد و باز به روایتی، ابن عباس از عثمان می پرسد، چرا میان انفال و توبه بسم الله نیامده است؟ و عثمان پاسخ می دهد چون رسول خدا بدرود حیات گفت و روشن نشد برای ما که این، دو سوره است یا یک سوره، از این رو این دو را کنار هم نهادیم. ۱۷

البته درباره صحت این حدیث تشکیک شده است و تک حدیثی است که برخی آن را نپذیرفته اند و بر فرض صحت، دلالت آن همین اندازه است که اجتهادی بودن ترتیب این دو سوره را برساند، و اگر ترتیب دیگر سوره ها امری اجتهادی و بی سابقه بود، به طور یقین سوالات و نقدهای بسیاری درباره چگونگی آن مطرح می شد. سوره های انفال و توبه نیز تناسبشان به اندازه ای زیاد است که این مساله را تقویت می کند، که این دو یک، سوره باشند. این نکته قابل توجه است که پذیرفتن روایات جمع، با قائل شدن به توقیفی بودن سوره ها منافاتی ندارد و بسیاری از نویسندگان اهل سنت که در این باره دست به تالیف زده اند، در عین آن که جمع و تدوین قرآن را در زمان خلیفه اول و خلیفه سوم می پذیرند، ترتیب سوره ها را نیز توقیفی می دانند، یعنی این نظم و ترتیب براساس آنچه بوده که از رسول خدا شنیده بودند.

جمعی از روایات، منحصر در منابع شیعی هستند که مورد استناد دانشمندانی از شیعه که ترتیب سوره ها را به اجتهاد صحابه می دانند، قرار گرفته اند.

از آن میان، روایتی است که استاد معرفت بر آن تاکید فراوان دارد، در بحار الانوار از ارشاد شیخ مفید روایت شده است که جابر از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود:

إذا قاموا قائم ال محمد (ص) ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن علی ما انزل الله جل جلاله، فاصعب ما یکون علی من حفظ الیوم، لانه یخالف فیہ التالیف؛ ۱۸

زمانی که قائم آل محمد^(ع) قیام کند، سرپرده‌هایی برای آموختن قرآن به مردم بر اساس آنچه خدا نازل کرده برپا خواهد کرد، این کار بر کسی که قرآن را به شکل فعلی حفظ باشد دشوارتر است، چون که تألیف آن قرآن متفاوت با قرآن کنونی است. استاد معرفت این گونه استفاده می‌کند که آن قرآن در ترتیب سوره‌ها و برخی آیات با مصحف حاضر تفاوت دارد.^{۱۹}

دلایل معتقدان به جمع قرآن در زمان پیامبر^(ص)

۱. یکی از دلایل معتقدان به جمع قرآن در زمان پیامبر^(ص) ناستواری و تعارض‌های احادیثی است که حکایت از جمع قرآن در زمان خلفا و به دست آنان دارند. و به طور طبیعی زمانی که احتمال دیگر که جمع قرآن پس از وفات پیامبر باشد، رد شد، نتیجه خواهد داد که گردآوری و مجموعه شدن قرآن، در سال‌های حیات رسول اکرم^(ص) و با نظارت ایشان بوده است.

از نقدهای مهم این احادیث، کاری است که آیه الله خویی^(ره) در «البیان» انجام داده^{۲۰} و در آثار نویسندگان بازتاب گسترده‌ای داشته است.

آیه الله خویی در پایان نتیجه می‌گیرند که نسبت دادن جمع قرآن به زمان خلفا، امر موهومی است که مخالف با کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌باشد، بنابراین مدعی تحریف نمی‌تواند به این احادیث بر مدعای خود استدلال کند....

استاد معرفت در «التمهید» در صدد پاسخگویی به این اشکالات برآمده و قضیه جمع قرآن را واقعه‌ای تاریخی دانسته است که باید به نصوص تاریخ رجوع کرد، نه مساله‌ای عقلانی و قابل بحث و جدل، و افزوده است که مورخان بر این مساله که ترتیب سوره‌ها پس از وفات پیامبر صورت گرفته است، اتفاق کلمه دارند.^{۲۱}

البته قابل ذکر است که آیت الله معرفت در اواخر عمر خود از نظر اخیر برگشته و با توجه به مدارک و اسناد قائل به جمع قرآن در زمان حیات رسول خدا^(ص) شدند.^{۲۲}

علامه سید مرتضی عسکری نیز در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین»، یادآور می‌شود که علمای گذشته نیز به تناقض روایات جمع قرآن توجه داشته‌اند. قرآن در زمان پیامبر^(ص) با وحی جبرئیل جمع شده بود و روایاتی که درباره جمع قرآن در زمان خلفا

وارد شده، تمامی دروغ است، و کاری که خلفا نسبت به قرآن انجام دادند آن بود که آن را از وحی بیانی، که احادیث پیامبر (ص) بود، مجرد ساختند. ۲۳

سخن آیت الله بروجردی درباره روایات جمع نیز چنین است:

هدف عامه در نقل این روایات بیان فضیلت ابی بکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام می باشد و از جانب آنان این روایات در میان خاصه راه پیدا کرده است. و اهل سنت در نقل این روایات که باعث کوبیدن عظمت قرآن می شود، برای بزرگداشت خلفا افراط کرده اند، همچنان که شیعه نیز در نقل روایاتی که دلالت می کند، علی (ع) در قرآن را گردآورد و آن را نزد مردم برد و آنان آن را نپذیرفتند، افراط کرده اند... ۲۴

۲. از دلایلی که طرفداران وحیانی بودن ترتیب سوره ها به آن استدلال کرده اند، این است که صحابه بر مصحف عثمان اجماع کرده اند و کسی از آنان با آن مخالفت نکرد. اجماع آنها خود دلیل بر توقیفی بودن مساله است؛ چه اگر از مسائل اجتهادی بود و چنین کاری به اختیار مسلمان ها بود اختلاف نظر پیش می آمد و بایستی نسخه های قرآن با یکدیگر مختلف می شد و هرکس به ذوق و تشخیص و میل خود سوره ها را می نوشت، و مشکل است که بگوییم تمامی مسلمان ها در این جهت تسلیم خلیفه شدند و به آسانی تمکین کردند و از ترتیب خود چشم پوشیدند. ۲۵

۳. از جمله دلایلی که بر توقیفی بودن ترتیب سوره ها وجود دارد حالت خاصی است که بر چینش سوره ها حاکم است؛ سوره هایی که با «حم» یا «الر» شروع می شود، پشت سر هم قرار گرفته اند، اما سوره هایی که با «تسبیح» شروع می شوند پی در پی نیامده اند؛ و سوره «طس» میان دو سوره «طسم شعراء» و «طسم قصص» فاصله شده است که در مطلع مانند یکدیگرند. همچنین سوره «مطففین» میان دو سوره «انفطار» و «انشقاق» واقع شده است که در آغاز و انجام همانند یکدیگرند. پس اگر ترتیب سوره ها توقیفی نبود و از روی اجتهاد مشخصی انجام گرفته بود، بی گمان می بایست «مسیحات» پشت سر هم می آمدند، «طس» پس از «قصص» ذکر می شد و «مطففین» قبل از «انفطار» یا بعد از «انشقاق» قرار می گرفت و میان سوره های دارنده «الر» نیز فاصله می افتاد.

دلیل یاد شده از راه عدم وجود ملاک تشخیص در ترتیب موجود، نشان دهنده توقیفی بودن ترتیب سوره ها است.

۴. یکی از دلیل های مهم این نظر اهتمام فراوانی بود که رسول اکرم (ص) و صحابه ایشان به قرآن داشتند. پس با وجود این اهتمام چگونه ممکن است جمع قرآن تا زمان خلافت ابی بکر به تاخیر بیفتد و کار به آنجا برسد که در جمع آن نیاز به دو شاهد باشد تا شهادت دهند که آن را از پیامبر شنیده اند. ۲۶

۵. دلیل دیگر، اخبار و روایاتی است که این نظر را تایید می کند. از جمله از زید بن ثابت نقل شده که گفت: «کنا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع». ۲۷

داوری درباره دیدگاه های یاد شده

در یک ارزیابی کلی از دیدگاه های طرفین به روشنی درخواهیم یافت که دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره ها به هیچ وجه از نظر استحکام و شواهد تاریخی و اعتباری، از دیدگاه کسانی که ترتیب آنها را پس از حیات پیامبر (ص) می دانند کاستی ندارد، بلکه در پذیرش اجتهادی بودن ترتیب سوره ها با پرسش ها و ابهاماتی مواجه خواهیم بود که نادیده انگاشته شده اند. این که ما در زمان عثمان هیچ گونه مخالفی نسبت به ترتیب سوره ها در مصحف وی نمی بینیم مؤیدی قوی است که این ترتیب برای مردم امری شناخته شده بوده است. بنابراین، تصور این که هیچ گونه ترتیبی بر سوره های قرآن حاکم نباشد، بسیار دشوار است.

- | | |
|--|--|
| ۱. الاتقان فی علوم القرآن، ۱/ ۱۵۷. | ۱۵. التمهید، ۱/ ۲۸۱. |
| ۲. بحار الانوار، ۹۲/ ۱۲۰. | ۱۶. نائینی، تاریخ جمع قرآن/ ۱۵۴. |
| ۳. تاریخ قرآن/ ۱۹۴. | ۱۷. همان. |
| ۴. التمهید فی علوم القرآن، ۱/ ۲۷۳. | ۱۸. بحار الانوار، ۵۳/ ۳۳۹. |
| ۵. بحار الانوار، ۹۲/ ۷۵. | ۱۹. التمهید، ۱/ ۲۷۶. |
| ۶. الاتقان، ۱/ ۲۱۲. | ۲۰. البیان، ۲۳۹-۲۵۸. |
| ۷. چهره زیبای قرآن/ ۶۷. | ۲۱. التمهید، ۱/ ۲۸۵-۲۸۶. |
| ۸. المیزان، ۱۲/ ۱۲۶. | ۲۲. نقل از استاد ایازی در مراسم بزرگداشت چهلمین روز درگذشت آیت الله معرفت در دانشگاه علوم و تحقیقات. |
| ۹. الاتقان، ۱/ ۲۱۷. | ۲۳. القرآن الکریم و روایات المدرسین، ۲/ ۷۱. |
| ۱۰. التمهید، ۱/ ۲۸۳. | ۲۴. نهایه الاصول/ ۴۸۳-۴۸۴. |
| ۱۱. همان/ ۲۸۸-۲۸۹. | ۲۵. تاریخ جمع قرآن کریم/ ۱۵۴. |
| ۱۲. البرهان فی علوم القرآن، ۱/ ۲۵۷. | ۲۶. البیان، ۱/ ۲۵۳. |
| ۱۳. الاتقان، ۱/ ۲۱۸. | ۲۷. الاتقان، ۱/ ۵۷. |
| ۱۴. پژوهشی در تاریخ جمع قرآن کریم/ ۹۰. | |